



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

## انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و اقتصاد انرژی



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

**پژوهشگر: علی ظریف**

## فهرست مطالب

عنوان

صفحه

- مقدمه ..... ۲
- اقتصاد انرژی چیست؟ ..... ۲
- ترامپ و تمرکز بر انرژی‌های تجدید ناپذیر ..... ۳
- دونالد ترامپ از تاکید بر استفاده از انرژی فسیلی به دنبال چیست؟ ..... ۴
- بایدن و تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر ..... ۶
- نتیجه گیری ..... ۷



با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا گمانه‌زنی درباره محیط زیست و آینده اقتصاد انرژی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است. دوره بعدی ریاست جمهوری آمریکا برای سیاست‌های حوزه انرژی بسیار مهم خواهد بود. هم اکنون تولیدکنندگان نفت و گاز آمریکا تلاش می‌کنند بازیابی خود را در شرایطی که کاهش قیمت‌ها و تقاضا در نتیجه همه‌گیری کرونا رخ داده است، انجام دهند. بررسی دیدگاه‌های «دونالد ترامپ» و «جو بایدن» نشان می‌دهد دو کاندیدای حاضر در این انتخابات دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی درباره اقتصاد انرژی دارند. در حالی که در چهار سال گذشته ترامپ بر ضرورت استفاده از انرژی‌های فسیلی تاکید داشته است و نادیده گرفتن آن را ضربه به اقتصاد آمریکا توصیف کرده است، بایدن با تاکید بر ضرورت بازگشت آمریکا به پیمان آب‌وهوایی پاریس بر گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر تاکید دارد.

### □ اقتصاد انرژی چیست؟

امروزه، اهمیت انرژی و آثار آن بر کسی پوشیده نیست. واقعیت این است که انرژی توانسته است در همه ابعاد زندگی انسان‌ها، از نیازهای اولیه گرفته تا سیاست، توسعه و حتی فرهنگ به نوعی وارد شود. بنابراین ارائه تعریفی دقیق از اقتصاد انرژی به مثابه یک رشته علمی آسان نیست. در سال ۱۸۶۵ میلادی، اقتصاددان انگلیسی به نام «جی ونز» (Jevons) در کتاب خود تحت عنوان «معمای ذغال سنگ» نگرانی خود را از کاهش محتوم ذخایر ذغال سنگ اظهار داشت. در آن زمان با اختراع موتور بخار، ذغال سنگ به قلب تپنده صنعتی شدن در انگلستان و سایر کشورهای اروپایی تبدیل شده بود. بنابراین نگرانی «جی ونز» حداقل تا زمانی که نفت به عنوان یک حامل انرژی جدید و جایگزین قدرتمند ذغال سنگ مطرح نشده بود، بی اساس نبود. مباحث مرتبط با انرژی و تاثیر آن بر اقتصاد جهانی نخستین بار در سال‌های بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ در جهان مطرح شد. هم اکنون بخش عمده منابع انرژی به رغم اینکه پتانسیل زیادی برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر نور خورشید، باد، امواج و گرمای زمین وجود دارد، همچنان از استخراج ذخایر پایان پذیر سوخت‌های فسیلی تامین می‌شوند. ماهیت پایان پذیری و کمیابی موجب شده است مبحث عرضه انرژی (به ویژه سوخت‌های فسیلی) بر خلاف عرضه کالاها و خدمات (که عمدتاً متاثر از ساختار هزینه تولید است)، متاثر از یک عامل مهم دیگر به نام «رانت کمیابی» نیز باشد. به بیان دیگر، منابع پایان پذیر انرژی دارای ارزش ذاتی هستند، به گونه‌ای که حتی اگر به صورت ذخیره بمانند و استخراج نشوند، ارزش ذاتی دارند.<sup>۱</sup>

اقتصاد انرژی یک دانش بین رشته‌ای است و کاربرد اصول، مدل‌ها و آموزه‌های اقتصاد در زمینه یک کالای مهم، ضروری و استراتژیک بنام انرژی و حامل‌های آن است. ارتباط قابل توجهی میان انرژی و حامل‌های آن و پارامترهای اقتصاد کلان وجود دارد. قیمت نفت در میان همه حامل‌های انرژی محوریت دارد و تعیین کننده است. علت آن سهم قابل توجه نفت

<sup>۱</sup> اسلامی، آرش، مجله ویستا، «آشنایی با اقتصاد انرژی، مفاهیم و محورها»، ۱۳۹۹/۷/۱۹

در سبد انرژی جهان و نیز انعطاف‌پذیری و قابلیت‌های نفت برای تامین همه نیازهای بشری و سهولت حمل و نقل و ذخیره‌سازی آن در مقایسه با سایر حامل‌های انرژی است. بنابراین قیمت حامل‌های انرژی تابعی از قیمت نفت هستند و تعیین قیمت نفت نیز از عهده هر کشور خاصی خارج است و در اغلب اقتصادها به‌عنوان یک عامل اقتصادی برونزا شناخته می‌شود. نوسانات قیمت نفت بر کشورهای تولیدکننده آن به گونه‌ای و بر مصرف‌کنندگان به گونه‌ای دیگر تاثیر می‌گذارد. بنابراین **شناخت اثرات متقابل نفت و پارامترهای اقتصاد کلان در حوزه اقتصاد انرژی** است. موضوع نحوه کنترل نوسانات قیمت حامل‌های انرژی بر اقتصاد کلان کشورهای جهان نیز از دیگر موضوعات و مباحث این حوزه دانشی است. در این میان قیمت نفت از همه تعیین‌کننده‌تر است و نوسانات قیمت جهانی نفت و وابستگی به قیمت نفت می‌تواند آثار و تبعات زیان‌باری را بر اقتصادهای وابسته به آن بر جای گذارد که بررسی این موضوع نیز یکی از سر فصل‌های مهم و دارای ادبیاتی گسترده است. از سوی دیگر متقابلاً میزان مصرف و تقاضای انرژی چه در سطح جهان و چه در سطح هر کشور تابعی از متغیرهای اقتصاد کلان است. هیچ فعالیتی بدون انرژی امکان‌پذیر نیست و بنابراین پیش‌بینی تقاضای جهانی انرژی که خود وابسته به پیش‌بینی از آینده اقتصاد است امری مهم تلقی می‌شود، چراکه اگر سرمایه‌گذاری به موقع و کافی در زمینه انرژی صورت نپذیرد اقتصاد جهان با مشکل مواجه خواهد شد. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌گردد که بدانیم بیش از ۸۰ درصد انرژی مورد مصرف در جهان به منابع فناپذیر انرژی وابسته است.<sup>۱</sup>

### □ ترامپ و تمرکز بر انرژی‌های تجدیدناپذیر

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در انتخابات سال ۲۰۱۶ از همان ابتدا سیاست‌هایی را برای بخش انرژی مطرح کرده که نشان داد به دنبال تحولاتی در بازار انرژی جهان است و اثرات آن، بیش از هر چیز کشورهای صادرکننده نفت را نشانه گرفته است. نااطمینانی‌هایی که به دلیل سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت ترامپ در حوزه انرژی بعد از اوباما به وجود آورد آشکارا بازارهای مالی و به تبع آن قیمت نفت را تحت تاثیر قرارداد. آمریکا سیاست کاهش وابستگی در تامین انرژی را مبنای فعالیت‌های خود قرار داد و در نتیجه اوپک از دو ناحیه تحت تاثیر قرار گرفت.

۱- افزایش تولید نفتی آمریکا منجر به کاهش قیمت نفت شد.

۲- با محدودیت‌هایی که برای صادرات نفت اوپک به آمریکا به وجود آمد، اوپک بخشی از سهم بازار خود را از دست داد و رقابت شدیدی برای به دست آوردن سایر بازارها از سوی اعضای اوپک به وجود آمد.

<sup>۱</sup>. دنیای اقتصاد، «چرا اقتصاد انرژی؟»، ۱۳۹۵/۹/۲۳

## دونالد ترامپ از تاکید بر استفاده از انرژی فسیلی به دنبال چیست؟

- ۱- مستقل ساختن بخش انرژی آمریکا، ایجاد میلیون‌ها شغل جدید، حمایت از آب پاک و هوای پاک، حمایت از ذخایر و منابع طبیعی، انقلاب انرژی که سرمایه عظیمی را برای آمریکا به همراه خواهد داشت.
- ۲- اعلان سلطه انرژی آمریکا به عنوان هدف استراتژیک سیاست خارجی و اقتصادی آمریکا.
- ۳- آزاد کردن ۵۰ تریلیون دلار آمریکا از منابع بکر شیل، نفت و ذخایر گاز طبیعی، به علاوه ذخایر ذغال سنگ.
- ۴- استقلال کامل آمریکا از هر گونه نیاز به واردات انرژی از اوپک یا هر کشور ضد منافع آمریکا.
- ۵- باز کردن لیزینگ زمین‌های خشکی و دریایی فدرال، توقف لیزینگ ذغال سنگ و باز کردن ذخایر انرژی شیل
- ۶- تشویق به استفاده از گاز طبیعی و سایر منابع انرژی آمریکا که هم انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد و در عین حال قیمت انرژی را کاهش و بازده اقتصادی آمریکا را افزایش دهد.
- ۷- کاهش و حذف کلیه موانع تولید انرژی، ایجاد حداقل نیم میلیون شغل در سال، افزایش دستمزدها و انرژی ارزان تر (ترامپ و طرفدارانش معتقدند تولید نفت شیل می‌تواند طی ۷ سال، ۲ میلیون شغل ایجاد کند).<sup>۱</sup>

ترامپ وعده داده است که عصر طلایی تجارت انرژی آمریکا با افزایش صادرات گاز طبیعی، ذغال و نفت فراخواهد رسید. رئیس‌جمهور آمریکا در جریان برنامه وزارت انرژی با حضور نمایندگان حوزه صنایع نفت و ذغال سنگ و همچنین کارگران اصناف گفت: «ما امروز جمع شدیم تا سیاست جدید انرژی آمریکا را به اجرا درآوریم ... ما صادرکننده منابع انرژی به تمام دنیا خواهیم بود.»

دونالد ترامپ وعده‌های فراوانی برای افزایش خوداتکایی آمریکا به تولید انرژی و قطع وابستگی از کشورهای خارجی تولیدکننده نفت و گاز داشته و دارد که با اجرایی شدن آنها، تغییرات فراوانی در بازار و همچنین ژئوپلیتیک نفت خام ایجاد خواهد شد. بر این اساس تولید منابع انرژی فسیلی برای ترامپ اهمیتی دوگانه دارد:<sup>۲</sup>

از یک سو ترامپ معتقد است که ذخایر گسترده نامتعارف نفت و گاز این کشور دارای ارزشی معادل ۵۰ تریلیون دلار است که توسعه هرچه بیشتر آن از طریق کاهش محدودیت‌های قانونی و مالی می‌تواند منجر به ایجاد میلیون‌ها شغل و افزایش ۳۰ میلیارد دلاری سالانه دستمزدها در آمریکا شود.

از سوی دیگر، تولید منابع داخلی نیز برای ترامپ اهمیت راهبردی دارد، زیرا به اهداف وی در زمینه «کسب استقلال انرژی» و «کاهش واردات نفت از کشورهای اوپک» کمک می‌کند.

۱. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، «بخش انرژی و سیاست‌های آقای ترامپ»، ۱۳۹۵

۲. پایگاه تحلیلی و خبری الوقت، «سیاست انرژی آمریکا در دوره ترامپ»، ۱۳۹۶/۵/۷

با وجودی که تلاش‌های ترامپ منجر شد ظرفیت تولید نفت آمریکا از ۹ میلیون بشکه در روز به ۱۳ میلیون بشکه افزایش یابد و سهم آمریکا از تجارت انرژی افزایش یابد، اما شرایط آن طور که ترامپ در نظر داشت پیش نرفت و عوامل گوناگون از جمله افزایش تمایل به انرژی‌های پاک و شیوع ویروس کرونا در جهان تقاضای نفت را به شدت کاهش داد. اداره اطلاعات انرژی آمریکا اعلام کرد صادرات نفت خام این کشور از ۳,۷۰۸ میلیون بشکه در روز در ماه فوریه تا ۲,۷۵۳ میلیون بشکه در روز در ماه ژوئن کاهش یافته است. تقاضای جهانی نفت در نیمه اول ۲۰۲۰ تا متوسط ۹۰ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. این رقم در ۶ ماه اول ۲۰۱۹ برابر با ۱۰۰,۷ میلیون بشکه در روز بود. گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد تقاضای بسیار پایین برای نفت خام و محصولات نفتی باعث کاهش صادرات نفت آمریکا از ماه فوریه شده است.<sup>۱</sup>

بر اساس آمار رویترز و ارزیابی وال استریت، «اکسون موبیل» بزرگترین شرکت نفتی آمریکا، به علت کاهش درآمد ۴۸ میلیارد دلاری در سال آینده، باید افزون بر اخراج شمار زیادی از کارکنانش، بسیاری از طرح‌های نفتی، پالایشی و پتروشیمی خود را نیز کنار بگذارد. توانایی کنونی اکسون برای تامین مالی هزینه‌های عملیات گسترده‌اش، دیگر تضمین شده نیست، زیرا تاکنون در سال جاری ۲۳ میلیارد دلار وام برای تامین و پرداخت هزینه‌هایش دریافت کرده که میزان بدهی آن را تقریباً به ۲ برابر رسانده است. بر اساس برآوردها این شرکت تا پایان سال جاری به استثنای فروش یا کاهش ارزش دارایی‌ها، یک میلیارد و ۸۶۰ میلیون دلار زیان خواهد کرد. اکسون که با در نظر گرفتن درآمد عملیات، ایفای تعهدات به سهامداران و هزینه‌های گسترده برنامه‌هایش، با کمبود ۴۸ میلیارد دلار در سال آینده (۲۰۲۱) روبه رو خواهد بود، به بررسی و تجدیدنظر سراسری به منظور کاهش هزینه‌ها روی آورده است. به نظر تحلیل‌گران حتی کاهش سود پرداختی به سهامداران که زمانی باورناپذیر بود، اکنون محتمل شده است. نام اکسون موبیل پس از ۹۲ سال از فهرست باارزش‌ترین و سودده‌ترین شرکت‌های صنعتی شاخص داو جونز حذف شده است و ناچار است تا ۱۰ درصد کارکنانش را در آمریکا و هزاران تن دیگر را در سراسر جهان، بیکار کند.<sup>۲</sup>

پرواضح است صنعت نفت و گاز وضعیت اسفناکی را در آمریکا پیش رو دارد. افزایش میزان بدهی‌های شرکت‌های نفتی آمریکا، کاهش چشمگیر درآمد آنها، اجرای طرح‌های تعدیل نیروی گسترده و بدتر از همه عدم سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های اکتشافی در داخل آمریکا و در کشورهای دیگر همه باعث شده است تا بقای شرکت‌های نفتی آمریکایی در هاله‌ای از ابهام قرار داشته باشد. سایت «ورلد اویل» می‌نویسد در نیمه اول سال جاری میزان حفاری نفت در آمریکا ۷۶ درصد کمتر از سال قبل بود. طبق این گزارش وضعیت حفاری حوزه‌های نفتی در این کشور صادر کننده نفت به پایین‌ترین سطح طی ۱۲۲ سال اخیر رسید و مسئله نگران کننده‌تر این است که انتظاری از بهبود وضعیت وجود ندارد. به گزارش مرکز مطالعات بیکر هیوز هم اکنون ۲۵۴ ریگ نفتی فعال در آمریکا مشغول به کار هستند که شمار آنها در مقایسه با شمار ریگ‌های فعال در آمریکا در ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی ۸۲۱ عدد کاهش داشته است. این کاهش ۷۶ درصدی شمار ریگ‌های نفتی (نفت شیل) فعال در آمریکا که بسیاری از آن به عنوان افت تاریخی در صنعت نفت آمریکا نام می‌برند، در ماه‌های آتی هم ادامه دارد، زیرا تولید نفت شیل در شرایط قیمتی کنونی در بازار نفت صرفه اقتصادی ندارد.<sup>۳</sup>

از سوی دیگری، بحران کنونی، تمام طرف‌های حاضر در چرخه تامین و توزیع نفت در آمریکا را تحت تاثیر قرار داد. شرکت‌های میان دستی در صنعت نفت آمریکا به خصوص «پراتورهای خطوط انتقال نفت» از جمله آنها هستند که

۱. خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹/۷/۲

۲. خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹/۶/۱۸

۳. سایت بازار، ۱۳۹۹/۷/۸

شاهد کاهش شدید تقاضا برای خدمات خود بوده‌اند. در حالی که به طور معمول شرکت‌های میان دستی و پایین دستی همواره از محل مازاد تولید نفت شرکت‌های بالادستی سود می‌برند، اما این بار اوضاع به این شکل نچرخید. چرا که شاهد سقوط شدید تقاضا ناشی از شیوع ویروس کرونا در جهان بوده‌ایم. از طرف دیگر با افزایش شدید تقاضا برای انبار کردن نفت، درخواست خدمات انتقال با خط لوله نیز کاهش چشمگیری پیدا کرد. همچنین از ابتدای سال جاری تاکنون شرکت‌های ارائه دهنده خدمات انتقال نفت از طریق خط لوله در آمریکا پروژه‌های خود برای افزایش ظرفیت انتقال معادل مجموعاً ۱,۴ میلیون بشکه در روز را به حالت تعلیق درآوردند. برخی از این شرکت‌ها مجبور شده‌اند نفت را کنار گذاشته و به سمت انتقال گاز از لوله‌های خود و حتی اجرای پروژه‌های مربوط به انرژی‌های تجدید پذیر بروند. به گفته "آل موناکو"، مدیرعامل شرکت اپراتور خطوط لوله انتقال نفت «انبریج» می‌گوید ما به این نتیجه رسیدیم که تغییر در رویکردمان و رفتن تدریجی به سمت گاز طبیعی و انرژی‌های تجدید پذیر در چنین شرایطی بسیار منطقی است.<sup>۱</sup>

### □ بایدن و تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر

دموکرات‌ها در حوزه انرژی مسیری کاملاً متفاوت با جمهوری خواهان ترسیم کرده‌اند. کارزار انتخاباتی جو بایدن، رقیب دونالد ترامپ در انتخابات پیش روی آمریکا طرحی جامع برای انرژی تهیه کرده است که هدف آن رسیدن به انرژی ۱۰۰ درصد پاک تا سال ۲۰۵۰ عنوان شده است. بایدن که آشکارا سیاست‌های ترامپ را در حوزه انرژی مورد حمله قرار می‌دهد پیشنهاد کرده مجوزهای حفاری جدید در اراضی و آب‌های فدرال متوقف شود. در صورت اجرای ممنوعیت کلی حفاری فدرال کاهش تولید نفت آمریکا به ۱/۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. نظارت دقیق‌تر بر آلاینده‌ها، تولیدکنندگان حاشیه‌ای را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. در صورت افزایش هزینه‌های مرتبط با مقررات محدودکننده مقابله با آلاینده‌ها با آلاینده‌ها به شکل بالقوه حدود ۷۵۰ هزار بشکه نفت و ۹ میلیارد مترمکعب گاز روزانه از چرخه تولید آمریکا خارج می‌شود.<sup>۲</sup>

شرکت‌هایی که انرژی تجدیدپذیر تولید می‌کنند بیشتر از سایر شرکت‌ها از برنامه جو بایدن حمایت می‌کنند، زیرا برنامه بایدن تلاش‌های دولت فدرال را برای بهبود روند تولید انرژی تجدید پذیر که توسط دولت ترامپ از بین رفته است، احیاء می‌کند. طبق برنامه بایدن، آمریکا تا سال ۲۰۳۵ به‌طور کامل به استفاده از نفت، زغال سنگ و سایر انرژی‌های فسیلی برای تولید برق پایان می‌دهد و تا سال ۲۰۵۰ انتشار گازهای گلخانه‌ای را به صفر می‌رساند. بایدن همچنین تاکید کرد ضمن مسدود کردن چاه‌های متروکه، مالیات سنگینی بر بخش کربن وضع می‌کند. این نشان می‌دهد که برنامه‌های جو بایدن در بخش نفت و انرژی تا چه حد بلندپروازانه و برای تولیدکنندگان نفت آمریکایی محدودکننده است. وضع مالیات سنگین بر شرکت‌های نفتی و جلوگیری از اکتشاف و حفاری‌های جدید و حرکت به سوی انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در فرهنگ نفت یک معنا بیشتر ندارد و آن افزایش قیمت نفت است. صندوق «پوشش ریسک آمریکا» در ۱۲ جولای (۲۲ تیر) دست به یک پیش‌بینی حیرت‌انگیز زد. مدیر ارشد این صندوق سرمایه‌گذاری گفت قیمت نفت خام می‌تواند تا سال ۲۰۲۵ به راحتی به ۱۵۰ دلار در هر بشکه برسد. مدیر «جی‌پی مورگان» حتی رسیدن قیمت نفت به بشکه‌ای ۱۰۰ دلار را طی دو سال آینده کاملاً محتمل می‌داند. البته ناگفته نماند که دلیل منطقی آنها برای این پیش‌بینی خوشایند به تاثیرات کرونا بر کاهش سرمایه‌گذاری‌های نفتی به‌ویژه در بخش تولید و توسعه استوار است.<sup>۳</sup>

۱. خبرگزاری دانشجویان، ۱۳۹۹/۳/۲۶

۲. دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۷/۱۹

۳. روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۹/۵/۴

این سیاست می‌تواند مطلوب کشورهای صادرکننده نفت باشد که امروزه با مشکل کاهش تقاضا و قیمت پایین نفت صادراتی خود روبرو هستند. حساسیت‌ها از آنجا ناشی شد که ابرسانه «فوربس» که از سال ۱۹۱۷ در آمریکا به کار خبر و تحلیل اشتغال دارد، در ۲۰ جولای (۳۰ تیر) خبری تامل‌برانگیز منتشر کرد. این پایگاه خبری ناباورانه اعلام کرد که روسیه و عربستان در انتخابات پیش‌رو پشت‌سر بایدن ایستاده‌اند و پنهانی از او حمایت می‌کنند. اما راز حمایت روسیه و عربستان از جو بایدن در چیست؟

شک نیست که این راز را باید در اقتصاد به‌شدت نفتی این دو کشور جست‌وجو کرد. ۴۰ درصد از درآمد ملی و بیش از نیمی از صادرات روسیه به نفت و گاز وابسته است. این وابستگی در عربستان در حد زندگی و مرگ است. بیش از ۷۰ درصد از صادرات عربستان را نفت تشکیل می‌دهد و حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی آن نیز به نفت اختصاص دارد. به‌علاوه، ۷۰ درصد از شاغلان سعودی نیز در بخش نفت استخدام می‌شوند. از سوی دیگر، روسیه روزانه ۱۱ میلیون و عربستان (صرف‌نظر از تعهدات اوپک) روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت تولید می‌کنند. روزگار این ابرتولیدکنندگان نفت چندان بد نبود تا آن‌که در ماه مارس گذشته، شیوع کرونا همه چیز را ویران کرد. کرونا که آمد، نفت از چشم مصرف‌کنندگان افتاد و قیمت به زیر صفر و منفی ۴۰ دلار کاهش یافت.<sup>۱</sup> پس بیراه نیست که صادرکنندگان نفت از بایدن حمایت کنند. کسی که پیروزی‌اش می‌تواند قیمت نفت را به شکل باورنکردنی افزایش دهد.

## □ نتیجه گیری

افزایش تولید نفت و گاز و رونق تجارت انرژی در سال‌های آغازین دوره اول ریاست جمهوری ترامپ عمدتاً نتیجه پایان محدودیت‌های موجود درباره صادرات نفت خام در سال ۲۰۱۵ میلادی بود. در حالی که ترامپ خواهان توسعه منابع سوخت فسیلی این کشور است و انتظار می‌رود ترامپ سیاست‌های مقررات‌زدایی را که در دوره اول ریاست جمهوری خود آغاز کرد کماکان ادامه دهد، بایدن خواستار یک برنامه سریع برای رشد انرژی تجدیدپذیرها در آمریکا است.

هرچند ترامپ تأکید زیادی بر تحقق سیاست‌های خود در حوزه انرژی دارد، اما این تحولات به سادگی رخ نخواهد داد و با چالش‌های مختلف روبه‌رو خواهد بود. نخستین چالش آسیب‌پذیری آمریکا از بلایای طبیعی ناشی از گرم شدن کره زمین است. هزینه آسیب‌های اقتصادی آمریکا از بلایای طبیعی ناشی از گرم شدن کره زمین بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار ارزیابی شده که روند آن فزاینده است.

خروج یک‌جانبه آمریکا از کنفرانس آب و هوایی پاریس را می‌توان عقب‌گردی آشکار برای اقتصاد آمریکا دانست. نتیجه این اقدام ماجراجویانه ترامپ به حاشیه رانده شدن صنعت آمریکا به عنوان یک شریک در توسعه زیرساخت‌های انرژی جهانی می‌باشد و آمریکا را در پیگیری دیپلماسی انرژی ناکام می‌گذارد و عواقب ژئوپلیتیک ناشناخته برای واشنگتن دارد. کشورهای نوظهور و به‌خصوص چین سرمایه‌گذاری هنگفتی در انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده‌اند که در رشد سهم آن‌ها از قدرت جهانی تأثیرگذار است. آمار انتشار کربن میان سه کشور آمریکا، هند و چین و روند مذاکرات حول مسائل زیست‌محیطی نشان می‌دهد که آمریکا در خصوص سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر در دوره ترامپ نسبت به رقبای خود بسیار عقب مانده است و این می‌تواند پایانی ناخوشایند برای اقتصاد آمریکا باشد.

انکار اهمیت آب و هوا از سوی ترامپ هدیه‌ای به صنعت سبز در چین است، زیرا با توجه به نقش انرژی‌های تجدیدشونده در توسعه زیرساخت‌ها در آینده، بی‌توجهی به انرژی‌های پاک؛ در طولانی‌مدت قدرت اقتصادی آمریکا را متناسب با قدرت

۱. روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۹/۵/۴



چین و هند تضعیف می‌کند. چین همچنین به سرعت در حال دور شدن از صنایع سنگین به منظور انتقال طولانی‌مدت به سمت صنایع کم‌کربن و اقتصاد مبتنی بر خدمات است. بدین جهت بسیاری از ظرفیت‌های صنعتی خود را به منظور کاهش انتشار CO<sub>2</sub> در آهن و فولاد، مواد شیمیایی و مصالح ساختمانی صنعتی محدود نموده است و با رشد بی‌سابقه‌ای در صنایع انرژی خورشیدی رهبر بلامنازع جهان در مشاغل سبز است. چین همچنین به دنبال تکنولوژی انرژی‌های تجدیدپذیر رو به رشد است که در درازمدت بهره‌وری صنعت آن را بالا می‌برد. این روند در صورتی است که هند و چین اقتصاد در حال رشدی را سپری می‌کنند و عملاً محدودیت‌های محیط‌زیستی و هزینه‌های انرژی تجدید شونده ضربه‌های سنگینی به اقتصاد آن‌ها در کوتاه مدت وارد می‌کند. بررسی تحت عنوان جنگ واقعی ذغال سنگ در چین نشان داده که «سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های حکومت چین در استخراج فولاد به اخراج حدود ۱/۸ میلیون کارمند، بیش از ۱۵ درصد از نیروی کار و به دنبال آن اعتصابات و تظاهرات بسیاری می‌انجامد». برای همین، انتقال چین به اقتصاد کم‌کربن نه آسان و نه بدون هزینه است. اما چین بر این باور است که گذار از سوخت‌های فسیلی به انرژی تجدیدپذیر، توسعه اقتصادی بلندمدت را از طریق ایجاد شغل در صنایع انرژی‌های تجدیدپذیر، تضمین ارزش‌های اقتصادی و بهره‌وری و توسعه زیرساخت‌ها در سلامت و بهداشت و تغذیه به دنبال دارد. اقدامات ترامپ همچنین می‌تواند چین و اتحادیه اروپا را برای پاسخ‌هایی متناسب با وضعیت آب و هوا متحد نماید، مانند تحمیل قیمت کربن بر واردات، تنظیم تعرفه کربن که خود آسیب به اقتصاد آمریکا خواهد زد. اروپا مزایای ژئواستراتژیک منابع تجدیدپذیر را چون افزایش امنیت انرژی به عنوان آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی، تهدید تروریسم و ... پذیرفته است. هم‌سویی اروپا با چین و هند در مسیر انرژی‌های تجدیدپذیر به کاهش اعتبار واشنگتن منجر شده است.<sup>۱</sup>

پیروزی بایدن در گام اول می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اقتصاد کشورهای اوپک داشته باشد، زیرا با کاهش نقش آمریکا در تولید و صادرات انرژی‌های تجدیدناپذیر دلارهای نفتی بیشتری به سوی خزانه این کشورها خواهد رفت. همچنین کاندیدای دموکرات انتخابات آمریکا طرحی آورده است که بر اساس آن استفاده از انرژی پاک در دستور دولت بایدن قرار خواهد گرفت. هزینه این طرح ۱,۷ تریلیون دلار اعلام شده است. بر اساس این طرح آمریکا همانند اتحادیه اروپا به دنبال این هدف خواهد رفت که آلایندگی کربن خود را تا سال ۲۰۵۰ صفر کند. اجرای این طرح بلندپروازانه می‌تواند عقب‌ماندگی آمریکا در فن‌آوری‌های مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر را کاهش دهد. در واقع، پیروزی بایدن در انتخابات به منزله پیروزی بزرگی برای تجدیدپذیرها و بخش‌های انرژی پاک و خبر بدی برای صنعت نفت و گاز آمریکا خواهد بود.

<sup>۱</sup>. علی‌کرمی، فریبا، «سیاست انرژی دونالد ترامپ؛ پیامدهای جهانی و تبعات آن برای ایران»، موسسه ایرانی مطالعات اروپا و آمریکا، ۱۳۹۷/۷/۱۸